irannewspaper.ir

• دوشنبه ۱ اسفند ۱۴۰۱ • سال بیست‌ونهم • شماره ۸۱۳۲
• اذان ظهر ۱۲/۱۸ • اذان مغرب ۱۸/۰۹ • نیمه شب شرعی ۲۳/۳۶ • اذان صبح فردا ۵/۲۱ • طلوع آفتاب فردا ۶/۴۵

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
• **سردبیر:** کمیل نقی‌پور
• **معاون فنی:** محمدملاعلی‌اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی(سیاسی) • مهدی مهرپور(اقتصادی) • مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی) آزاده سهرابی(اجتماعی) • بنفشه غلامی(جهان)

علی کاکا دزفولی (سیاست) • فرناز قلعه‌دار(حوادث) اسماعیل علوی (پایداری) • لیدا فخری(اندیشه) محمدرضا عزیزی(گزارش) • زهرا کشوری (زیست‌بوم) سعید زاهدیان(ورزشی) مهدی کلهرنژاد(اجرایی) حجت حکیمی(صفحه‌آرایی) • محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی(عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

عشق گریبان ما را گرفت، درست همانطوری که قاتلی یکدفعه از کوچه‌ای تاریک سرآدم هوار می‌شود. هردومان را تکان داد همان تکان رعد و برق؛ همان تکان برق تیغه چاقو.
مرشد و مارگریتا/ میخاییل بولگاکف

سخن روز

پیامبر اکرم«ص»:
از دنیا بپرهیزید، قسم به آن کس که جان من در کف اوست که دنیا ازهاروت و ماروت ساحرتر است. / کنزالعمال، ج ۳، ص ۱۸۲، ح ۶۰۶۳

نگاره

ردپای تک سرنشین‌ها بر آلودگی هوا

نیما شاه‌میری
طراح و کارتونیست

فضای مجازی

یادی از عمران صلاحی، چهره سرشناس طنز کشورمان در زادروز وی، انتشار مطلبی درباره جابه‌جایی یکی از تازه‌ترین گرافیتی‌های «بنکسی» و همچنین درج نکاتی درباره کتاب «خلبان صدیق» از جمله مطالبی هستند که در مجازی امروز می‌خوانید.

یاد

عمران صلاحی را از جمله چهره‌های سرشناس طنزپرداز معاصر کشورمان می‌دانند، شاعری که به‌دلیل نوشتن مطالب تأثیرگذار و پرمحتوا در مجلات ادبی مشهور همچون دنیای سخن و کارنامه به شهرت رسید. عمران صلاحی با بازنگری و بازنویسی ادبیات کلاسیک و همچنین تفسیر آن، استفاده از شعرها، قصه‌ها و ضرب‌المثل‌های معروف برای بازسازی طنزآمیز مسائل روز می‌کوشید. شیوه نوشتن و بازآفرینی صلاحی خاص خودش بود که به نام خودش نیز ماندگار شده است. شناخت زبان فارسی، فرهنگ متداول جامعه و شناخت ادبیات کلاسیک ایران از جمله شاخص‌های آثار به یادگار مانده از این نویسنده و شاعر به شمار می‌آید. صلاحی در همه عرصه‌ها مانند شعر، داستان، گفتارهای کوتاه طنز، رمان و تحقیق کار کرد و آثاری از خود برجای گذاشت. از جمله این آثار می‌توان به گریه در آب، قطاری در مه، ایستگاه بین راه، رؤیاهای مرد نیلوفری، یک لب و هزار خنده، حالا حکایت ماست، آی نسیم سحری، ناگاه یک نگاه، از گلستان من ببر ورقی، طنز سعدی در گلستان و بوستان، زبان‌بسته‌ها (منتخبی از قصه‌های حیوانات به نظم)، عملیات عمرانی، خنده‌سازان و خنده‌پردازان و... اشاره کرد. عمران صلاحی یکم اسفند ۱۳۲۵خورشیدی در امیریه تهران دیده به جهان گشود و در مهر ۱۳۸۵خورشیدی در حالی که تنها ۶۰ سال داشت بر اثر عارضه قلبی دیده از جهان فروبست.

جابه‌جایی دیوار به خاطر بنکسی

اثر هنری که «بنکسی» اخیراً روی دیواری در شهر «ماگریت» واقع در انگلستان خلق کرده بود به پارک موضوعی «دریملند» این شهر منتقل می‌شود. این دیوارنگاره به نظر می‌رسد با موضوع خشونت خانگی خلق شده باشد. فریزر واقعی که برای تکمیل این نقاشی توسط «بنکسی» مورد استفاده قرار گرفته بود، تاکنون دوبار از محل این نقاشی برداشته شده است؛ یک بار توسط مالک خانه‌ای که این نقاشی روی دیوار آن خلق شده است و یک بار توسط شورای شهر. هر دو بار دلیل این کار حفظ امنیت این اثر هنری عنوان شده است و مالک خانه نیز تأکید کرد که امیدوار است با این کار مردم بتوانند از این اثر هنری بازدید کنند.«بنکسی» هنرمند گرافیتی‌کار اهل بریستول است که با نقاشی‌های دیواری و هنر گرافیتی اعتراضی خود، شهرت جهانی دارد، با این حال هنوز هویت اصلی او فاش نشده است. نقاشی‌های این هنرمند بیشتر به مسائل و موضوع‌هایی مانند گرمای جهانی، جنگ، شنودغیرقانونی و شرایط سخت کاری پرداخته است. تاکنون بارها نقاشی‌های این هنرمند از روی دیوار جدا و به قیمت صدها هزار پوند فروخته شده است.

درگذشت کارگردان مشهور استرالیایی

«جورج ترامبول میلر»، کارگردان مشهور استرالیایی در ۷۹ سالگی و بر اثر حمله قلبی در بیمارستانی در ملبورن درگذشت. این کارگردان سینمایی و تلویزیونی آثار تحسین‌شده‌ای چون «داستان بی‌پایان ۲» و «مرد رودخانه برفی» را در کارنامه داشت. وی سال ۱۹۸۲ با وسترن «مرد رودخانه برفی» با بازی کرک داگلاس به شهرت رسید. این فیلم در استرالیا ۱۷.۲ میلیون دلار فروخت و فروش‌اش در دنیا بیش از ۲۰ میلیون دلار بود و موجب شد تا دنباله‌ای برآن ساخته شود. با گذشت بیش از ۴۰ سال از این فیلم «مرد رودخانه برفی» همچنان یکی از ۲۰ فیلم پرفروش داخلی استرالیا در گیشه‌های سینماهاست. جورج ترامبول میلر سال ۱۹۴۷ در اسکاتلند به دنیا آمده بود و وقتی ۴ ساله بود با خانواده‌اش راهی استرالیا شد و خیلی زود، در جوانی توجه هالیوود را به خود جلب کرد.آخرین فیلم میلر «شکار» در سال ۲۰۰۹ بود که به‌دنبال اختلاف با تهیه‌کننده وی خواست تا نامش در فهرست سازندگان فیلم درج نشود.

کتابی خواندنی درباره اسارت

کتاب «خلبان صدیق» را می‌توان یکی از چند اثر برجسته در حوزه خاطره‌نگاری دوران اسارت دانست که به گفته منتقدان ظرفیت کافی برای خلق دیگرآثار هنری و اقتباسی را دارد. حمید قزوینی که خود از اهالی کتاب و نویسنده است، طی یادداشتی که ایلنا منتشر کرده این کتاب را اثری قابل تأمل در حوزه خاطره‌نگاری دوران اسارت دانسته و تأکید کرده:«اسارت و سپری شدن بخشی از زندگی در اردوگاه‌های دشمن، تجربه‌ای است که همیشه خاطرات و اسناد و اطلاعات مرتبط با آن جذاب است. این گونه ادبی و پژوهشی قدمتی طولانی دارد که در ایران با وجود هزاران آزاده جنگ تحمیلی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.» کتاب «خلبان صدیق»، خاطرات خلبان آزاده، سرتیپ محمد صدیق قادری است که مصاحبه با او به قلم محمد قبادی در چهار فصل تنظیم و به تازگی از سوی نشر «سرو» وابسته به موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس منتشر شده است.

نقل قول

سید میثم موسویان
نویسنده

درباره وقایع انقلاب به اندازه کافی ننوشتیم

در این سال‌ها عملیات فرهنگی علیه پهلوی به درستی اتفاق نیفتاد واین هم دلایل گوناگون نظیر فشارهای جنگ هشت ساله و تحریم و همه مسائل اقتصادی بوده که این چهل سال کشورمان درگیرآنها بوده است. ما بسیار دیر به فکر این موضوع افتادیم که واقع‌نمایی کنیم. همین امروز که صحبت می‌کنیم، مگر چند رمان از انقلاب و دفاع مقدس داریم؟ در توضیح غفلت‌های فرهنگی در سال‌های اخیر به تاریخ شفاهی نمی‌پردازم، چرا که وضعیت بهتری دارد، اما بجز آن اگر نگاه کنیم در این سال‌ها ۳۰ رمان از وقایع انقلاب هم نداریم. بحث من حتی پیش از موفقیت یا عدم موفقیت یک کتاب در بازار نشر است، چراکه این مسائل برای بعد از چاپ کتاب است.

| بخشی از گفته‌های این نویسنده در ایبنا

پنجره‌ای روبه دیوار

رضا آشفته
منتقد تئاتر

آموزش بازیگری یا کلاهبرداری!

از وقتی تعداد آموزشگاه‌های آزاد بازیگری رونق گرفت بسیاری برآن شدند که خود آموزشگاه بزنند یا در چنین آموزشگاه‌هایی کار کنند و اقبال همگانی نیز در بیشتر مواقع باعث سوءاستفاده از این موقعیت شده است. برخی از چهره‌های سینما و تلویزیون با ادعای آموزش بازیگری، آن هم به بهای دریافت مبالغ آنچنانی در جذب هنرجویان بازیگری کوشیده‌اند، آن هم با این گفته که ظرف فقط سه ماه تمام فنون بازیگری را آموزش داده و بعد هم آنان را جذب فیلم و سریال خواهند کرد. اما چرا این مسأله را می‌توان یک آسیب دانست؟ اول آنکه این کارگردانان یا بازیگران از تجربه تدریس بهره‌مند نیستند، دوم آنکه بازیگری مقوله‌ای پیچیده و چندگانه است که در آن باید فنونی همچون زبان بدن، بیان، تربیت حس، تقویت تجسم و مانند اینها به درستی تدریس شود. سوم آنکه ظرف سه ماه هیچ هنرجویی نمی‌تواند بر بازیگری اشراف پیدا کند و... بنابراین ادعای این چهره‌ها کذب محض است. این شیوه سوءاستفاده از علاقه‌مندان، نوعی سرکیسه کردن نوجوانان و جوانان است که در پی آن بخشی از درآمد مالی خانواده‌شان را در اختیار این چهره‌های دروغین قرار می‌دهند! با آنکه برخی از آنان حتی ممکن است جذب نقش‌های بسیار کم‌رنگ و کوچک بشوند اما درواقع چیزی از دانش بازیگری نمی‌آموزند و گاه دچار این توهم که بازیگری را یاد گرفته‌اند هم می‌شوند! بازیگری هنری دشوار و در عین حال پردرآمد است که بسیاری را وسوسه می‌کند به هر طریقی که شده خود را به عنوان بازیگر بویژه در سینما و تلویزیون مطرح کنند. درحالی که یک بازیگر واقعی باید سال‌ها آموزش ببیند، در گروه‌های تئاتری شگردهای بازیگری را به مرور بیاموزد تا پس از رشد نسبی بتواند از تئاتر به سمت تصویر خیز بردارد تا فرصتی برای مطرح شدن پیدا کند. این شیوه‌ای سخت و پرزحمت است که کمتر هنرجویی طاقت و حوصله ماندن در آن را دارد.

در این بین اگر عده‌ای سودجو مدعی‌اند که بین هنرجو و تصویر پلی می‌زنند تا به صورت جهشی به رؤیای دست نیافتنی‌اش نزدیک شود، همانا این ادعا کذب است. البته شاید در مواردی استثنایی بتوان چنین هدفی را برای استعدادهای خاص ممکن سازد ولی در بقیه موارد، هر هنرجو بنا بر طی مدارج به هم پیوسته و گذر سالیان بسیار می‌تواند خود را در عالم بازیگری مطرح کند. بنابراین تنها روش و بهترین راه همین است که هنرجویان، هنر بازیگری را با دقت و ظرافت در کلاس مربیان و استادان زبده بیاموزند، فریب نخورند و با حضور در کلاس‌های راستین هنری و در کنار هنرمندان شاخص این مدارج آموزشی را طی طریق کنند؛ چنانکه برخی از استادان بنام به همین شیوه، هنرجویان نمایش‌های مختلفی را آماده اجرا می‌کنند و ماه‌ها تمرین و اجرا و مرارتی را که در این راه وجود دارد به آنان نشان می‌دهند. با توجه به مواردی از این دست، آموزشگاه‌های بازیگری باید بنابر قواعد درست نرخ‌گذاری شوند تا از هرگونه سوءاستفاده جلوگیری شود. از طرفی هنرجویان نیز باید بدانند که کدام آموزشگاه راه رسیدن به بازیگری را ریل‌گذاری اصولی کرده و دست به انتخاب‌های بهتری برای یادگیری بزنند.

کلمه

علی‌الله سلیمی
نویسنده و منتقد ادبی

دست‌اندازهای سرمایه‌گذاری برای فرهنگ

عرصه‌های فرهنگی برای رشد و شکوفایی به سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و همچنین بلندمدت نیاز دارد که اگر هر یک از آن‌ها به‌موقع تحقق نیابد، ممکن است انواع عقب‌ماندگی‌های فرهنگی دامن جامعه را بگیرد و برای جبران چنین وضعیتی، به هزینه و سرمایه‌های به مراتب هنگفتی نیاز باشد.

نقطه آغاز جاماندن عرصه‌های فرهنگی از سایر تحولات اجتماعی، معمولاً با مشکل کمبود بودجه در نهادهای فرهنگی کلید می‌خورد که این خود، مسأله تازه‌ای نیست.

از سال‌ها قبل یکی از معضلات حوزه فرهنگ، همین مسأله نبود، کمبود و گاهی به‌موقع نرسیدن بودجه برای برنامه‌های فرهنگی است که در بیشتر مواقع باعث بی‌برنامگی در نهادهای فرهنگی می‌شود. حاصل آن نیز ایجاد خلأهای گوناگون در بخش‌های مختلف حوزه‌های فرهنگی است که در سال‌های اخیر نشانه‌های آن را به وفور می‌توان در گوشه و کنار دید.

البته برخی دست‌اندرکاران این حوزه، معمولاً این موضوع را انکار می‌کنند و معتقدند فعالیت‌های فرهنگی در جامعه با قوت پیش می‌رود و مشکل چندانی در این زمینه وجود ندارد. اما شرایط کنونی که در آن، کمبود بودجه در نهادهای فرهنگی را دیگر نمی‌شود براحتی انکار کرد، ظاهراً کاری کرده است که خود مسئولان مربوطه هم به ناچار در نشست‌های خبری یا گفت‌وگوهای خود با اصحاب رسانه با صراحت بیشتری به این موضوع اشاره می‌کنند و کمبود بودجه برای برنامه‌های فرهنگی را از دلایل اصلی تأخیر در اجرای این برنامه‌ها عنوان می‌کنند و در مواردی هم دلیل اصلی اجرا نشدن یک برنامه فرهنگی از پیش اعلام شده را نرسیدن بودجه اختصاص یافته اعلام می‌کنند که جای تأمل دارد. این در حالی است که در حوزه‌های غیرفرهنگی برنامه‌های متعددی به طور منظم برگزار می‌شود که برگزار نشدن یا تأخیر در برگزاری برخی از آنها خللی در نظم و فرهنگ عمومی جامعه ایجاد نمی‌کند، اما تأخیر در اجرا یا برگزار نشدن بعضی از برنامه‌های فرهنگی می‌تواند خلأهای اساسی در حوزه فرهنگ عمومی جامعه ایجاد کند که جبران برخی از آن‌ها به همین راحتی امکان‌پذیر نیست.

به عنوان مثال، یکی از رویدادهای حوزه فرهنگ، برگزاری جشنواره‌های متعدد انتخاب کتاب سال در بخش‌های گوناگون است که اهداف اصلی این جشنواره‌ها توسعه فرهنگ کتابخوانی در بخش‌های گوناگون جامعه است و همه کارشناسان فرهنگی بر ضرورت تداوم آن تأکید و اتفاق نظر دارند، اما در سال‌های اخیر در روند اجرای منظم، صحیح، مطابق اساسنامه و بدون کم و کاست برخی از این جشنواره‌های انتخاب کتاب سال خللی ایجاد شده که طبعاً منشأ اصلی آن هم کمبود و در مواردی هم نبود منابع مالی است. در چنین وضعیتی، ظاهراً اتفاق مهم و محسوسی نمی‌افتد اما تبعات ناگوار آن در آینده را هم نمی‌شود انکار کرد.

پیشنهاد

رضا مهدوی
نوازنده سنتور، موسیقی پژوه و مدرس دانشگاه

نغمه های «شوق دوست» با آواز همایونی

مجموعه «شوق دوست»، خرداد ۱۳۷۸ دراستودیو بل با صدا برداری و میکس منوچهرریاحی و ایرج فهیمی از سوی محمدجواد ضرابیان پس از یک دوره فعالیت صحنه ای و تولیدات آثار ارزنده شنیداری، در قالب آلبوم با خوانندگان مطرح آن سالها کلید خورد. شایعاتی بود که محمدرضا شجریان یک بار خوانده و نیز فرامرز گرمرودی هم که اصالتاً آذری است آزمایشی خوانده است.هرچه هست آواز همایون شجریان توسط ریموند موسسیان در ۱۳۸۳ نهایی و تدوین وآماده انتشار گردید، با عکاسی پرتره اسداحمدی وطرح جلد مژگان شجریان. ساز و آوازها و چهار مضراب تصنیف های بسیار شنیدنی و دلربا و فاخری در دستگاه سه گاه است با اشعار سرشار از مفهوم، که به زیبایی هرچه تمامتر، آهنگساز توانسته درتمامی مراحل و قطعات، تلفیق و تبیین کند تا شنونده گوش آشنا وغیرآشنا بتواند حظّ شنیداری کافی و وافی را ببرد.

«دلشده» آغازگرآلبوم «شوق دوست» است با شعر محمد جواد ضرابیان که با وزانت، نوید بخش شنیدنی شیارها(تراک) بعدی است. سپس «ساز وآواز» با غزلی ازسعدی و در ادامه «بخت سرکش» با غزلی از حافظ ، با شکوه به میدان می آید و صدای گرم و نرم همایون طبق روال همیشه، اوج و حضیض های متنوع و پخته ای را ارائه می دهد.«تکنوازی تار» در گوشه مخالف سه گاه پرطنین به چهارمضراب پرطمطراق وارد می شود و مایه مخالف و ارکستر به زیبایی ورود پیدا می کند و به وحدت رویه ای می رسد که حجم شنیداری قابل توجهی درهمان ابتدای اثر بیانگر جلال و شکوهِ اندیشه ورزی آهنگساز در شکل دهی درست و منطقی از موسیقی دستگاهی ایران است. سپس «آواز مغلوب و فرود» با غزل سعدی و تصنیف «مست نگاه» در مایه مخالف سه گاه اوج شکوه و فخر و فخامت مجموعه «شوق دوست» که دقیق و وزین ضرابیان از ماهیت ذاتی وبالقوه بودن بهره کِشی کرده چنین مایه ای را که نزد گوش های ایرانی و ترک و عرب جایگاه ویژه ای دارد.

کلام و شعر یا آهنگ ترانه محمد جواد ضرابیان الحق هنرمندانه در کنار فن موسیقایی در عین نوازندگی توانمند سنتورش و البته ملودی آفرینی و آهنگسازی و تنظیم ارائه داده در نوع خود منحصر و قابل تأمل است، بخصوص در قطعه«مست نگاه» که آدمی را وادار می کند بارها و بارها در زمان های مختلف بشنودش. «ساز وآواز» با تکنوازی نی و کمانچه در مایه مثنوی با شعر رهی معیری هم از بن مایه تفکر و عمق سُویدای وجود از ساز و نی و آواز و شعر است و در پایان تصنیف«بت عاشقان» با شعری از محمد جواد ضرابیان را می شنویم که در تداوم قطعات گذشته مهندسی شده نوشته شده و گویی جمع بندی ای به عنوان حسن ختام دارد. نوازندگان گروه سماع از این قرارند: نی(بهروز الوندی پور)، تار(شهرام میرجلالی)، کمانچه (سینا جهان آبادی)، تنبک ودایره (کامبیز گنجه ای)، تاروتارباس (حمید خبازی)، تار(عرفان گنجه ای)،عود (فرامرز گرمرودی)، کمانچه (همایون شجریان) و کمانچه (اردشیرکامکار).

شوق دوست - آواز: همایون شجریان - آهنگساز : محمد جواد ضرابیان - ناشر: دل آواز - سال:۱۳۸۳

کتاب و جهانی شدن

چراهر کتابی نباید ترجمه شود؟

زهرا پیوندی
منتقد ادبی

هر کشوری و هر فرهنگی که قصد داشته باشد با ترجمه کتاب‌های خود وارد فضای فرهنگی سایر کشورها شود، حتماً اهدافی را دنبال می‌کند. در واقع، این‌گونه نیست که برایش اهمیت نداشته باشد چه کتابی را ترجمه کند؛ چراکه اگر استراتژی درست و مشخصی را طراحی نکرده باشد، ممکن است هیچ‌گاه اهدافش محقق نشود. لذا باید انتخاب آثار با دقت تمام انجام شود.

حال، سؤال این است آیا هر کتابی که محتوای مدنظر سیاستگذاران را تأمین کرده، باید ترجمه شود؟ جواب این سؤال حتماً منفی است. اگر نگوییم کیفیت اثر مهم‌ترین شاخص انتخاب است، باید بگوییم یکی از شاخص‌های مهم است؛ زیرا اگر کیفیت اثر تولیدشده پایین باشد، هم ممکن است باعث زدگی مخاطب از آن کشور شود و هم نمی‌تواند اهداف محتوایی و فرهنگی مدنظر مترجمان را محقق کند. در واقع اگر کیفیت کتاب انتخاب‌شده پایین باشد و نتواند نظر مخاطب را جلب کند، مخاطب از دست می‌رود و تمام تلاش‌ها برای ترجمه اثر از بین خواهد رفت. پس باید در انتخاب آثار دقت کرد.

منظورمان از کیفیت کتاب چیست؟ کیفیت کتاب تولیدشده را هم نباید محدود کرد. زمانی که از کیفیت صحبت می‌کنیم، باید به همه ابعاد کتاب توجه کنیم؛ یعنی هم محتوای درخور و ارزشمند، هم فرم و تکنیک‌هایی که در نگارش اثر باید رعایت شود، هم کتاب‌سازی و چاپ باکیفیت آن و هم طراحی جلد و موضوعات گرافیکی اثر.

به زبان دیگر، اگر ما بهترین محتوا را در اختیار داشته باشیم، ولی نویسنده نتواند از تکنیک‌های نوشتن بهره ببرد یا نتواند به‌خوبی از این تکنیک‌ها استفاده کند، نمی‌تواند اثر ماندگاری تولید کند؛ چراکه بسیاری از کارشناسان ادبی و هنری معتقدند این فرم است که باعث ماندگاری آثار هنری و فرهنگی می‌شود و حتی اگر از فرم خوبی استفاده نشود، ممکن است به محتوا نیز لطمه وارد شود. آیا بعد از اینکه محتوای مناسب به‌خوبی روایت و به‌خوبی هم ترجمه شد، کار تمام است؟ باز هم نه! چون اولین چیزی که مخاطب با آن روبه‌رو می‌شود، ظاهر کتاب است، نه محتوای فاخر و متن خوبش! این طراحی کتاب و طرح روی جلد و متن پشت جلد است که اولین ارتباط را با مخاطب برقرار می‌کند و می‌تواند تعیین کند که این ارتباط ادامه‌دار است یا خیلی زود به خداحافظی منجر می‌شود. چرا جای دور برویم؟ خود ما هم اگر به کتاب‌فروشی برویم و به انبوه کتاب‌های مقابلمان نگاه کنیم، اولین چیزی که توجه ما را به خود جلب می‌کند چیست؟ پس توجه به طراحی جلد و کتاب‌سازی نیز اهمیت بالایی دارد که متأسفانه در کشور ما از این موضوع در بیشتر مواقع غفلت می‌شود.

با این اوصاف، اگر بخواهیم آثاری را که تا امروز ترجمه شده‌اند بررسی کنیم، احتمالاً بازنگری‌های بسیار جدی و اساسی باید انجام شود که امیدواریم مسئولان و متولیان این کار به بحث کیفیت آثار توجه کنند.

> سؤال این است آیا هر کتابی که محتوای مدنظر سیاستگذاران را تأمین کرده، باید ترجمه شود؟ جواب این سؤال حتماً منفی است

عکس‌نوشت

دادگاهی در فرانسه به «موزه اورسی» در پاریس دستور داده است که چهار اثر مهم از«رنوار»، «سزان» و«گوگن» را که در طول جنگ جهانی دوم به سرقت رفته‌اند به وارثان «آمبرواز ولار»، فروشنده برجسته آثار هنری در قرن بیستم بازگرداند.این گروه نقاشی‌ها، منظره دریایی رنوار با عنوان «دریای گرنزی» سال ۱۸۸۸ و «داوری پاریس» سال ۱۹۰۸، همچنین «طبیعت بی‌جان با ماندولین» (۱۸۸۵) اثر گوگن و یک آبرنگ با عنوان «زیر درختان» (۱۸۹۲-۱۸۹۰) اثر سزان را شامل می‌شود. تصویر پیش‌رو تابلوی «دریای گرنزی» را نشان می دهد./ایسنا